

انزوای اجتماعی، توسعه یافتگی مناطق شهری و پایگاه اقتصادی و اجتماعی در تهران

سمیه شالچی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۱۹

چکیده

در رویکردهای ابتدایی به مسأله انزوای اجتماعی بیشتر تاکید بر تغییر روابط اجتماعی ناشی از مدرنیته مطرح بوده است، که امکان انزوا را افزایش می‌دهد. با شکل‌گیری مکتب شیکاگو، لوئیس ورت انزوا را به مثابه سبک زندگی شهری مورد مطالعه قرار می‌دهد. با تاکید پارک بر نواحی طبیعی شهر و سپس رویکردهای نومانرکسیستی به فقر شهری، انزوا به عنوان نوعی محرومیت مرتبط با نابرابری‌های اقتصادی و فضایی در شهر تعریف می‌شود. این پژوهش به روش پیمایش ۴۰۰ نفر از شهروندان مناطق ۱،۳ به عنوان مناطق توسعه یافته و ۱۷ و ۱۹ به عنوان مناطق کمتر توسعه یافته شهری را مورد مطالعه قرار داده است. به استناد یافته‌ها، ساکنان به میزان متوسطی دچار انزوای اجتماعی هستند. این در حالی است که بُعد عینی انزوای اجتماعی بیش از حد متوسط می‌باشد. بر پایه آزمون فرضیات، بین سطح توسعه یافتگی مناطق و انزوای اجتماعی رابطه وجود دارد به طوری که هرچه منطقه کمتر توسعه یافته باشد ساکنان آن، انزوای اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند. به خصوص در رابطه با بُعد عینی انزوای اجتماعی این تفاوت محسوس است. همچنین انزوای اجتماعی با پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد، سن، اعتماد اجتماعی و حس تعلق پاسخگوبان به محله و شهر ارتباط دارد. **واژگان کلیدی:** انزوای اجتماعی، توسعه یافتگی مناطق شهری، نابرابری، پایگاه اقتصادی-اجتماعی

طرح مسأله

شهر معمولاً از سوی تحلیلگران اجتماعی همراه با تنهایی و خلوت ساکنان توصیف می‌شود. به عبارت دیگر، انزوا واقعیت زندگی شهری است. تبیین انزوای اجتماعی^۱ معمولاً به واسطه توجه به اهمیت روابط اجتماعی، کارکردها و پیامدهای اجتماعی آن بوده است. بنابراین پرداختن به انزوای اجتماعی بدون در نظر گرفتن ادبیات نظری موجود درباره روابط اجتماعی ممکن نیست. انزوای اجتماعی به معنی فقدان شبکه‌های اجتماعی معنادار است. به این معنی که ارتباطات فرد، می‌بایست نیازهای اجتماعی او را برطرف کرده و احساس حمایت و امنیت از محیط اطراف را در او ایجاد کند. برخی از ابعاد انزوای اجتماعی یعنی اندازه شبکه انسانی از معیار عینی برخوردار است، اما معیار کیفیت شبکه و احساس فاصله و تنهایی در بین دیگران، از ابعاد ذهنی آن به حساب می‌آیند (هورتلانوس، ۱۳۹۴).

اگرچه انزوای اجتماعی مفهومی نسبتاً جدید است، اما در واقع ایده‌ای کلاسیک در بین جامعه‌شناسان می‌باشد. به طوری که ابعاد ذهنی و عینی انزوای اجتماعی از سال‌های ابتدایی شکل‌گیری جامعه‌شناسی نیز مورد توجه بوده است. به لحاظ نظری در بین جامعه‌شناسان کلاسیک، مفهوم انزوای اجتماعی با مفهوم گزل شافت تونیس، کلانشهر و دلزدگی زیمل و همبستگی اجتماعی دورکیم در ارتباط می‌باشد. همچنین در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی شهری از مکتب شیکاگو تاکنون انزوای اجتماعی یکی از موضوعات پژوهشگران اجتماعی شهری بوده است. در واقع با گسترش مدرنیته و فرایند فردگرایی و چندپارگی اجتماعی، میزان انزوای اجتماعی همواره یکی از موضوعات حساس برای ارزیابی کیفی محیط انسانی به خصوص شهرها بوده است. مدرنیته، ساختار اجتماعی جامعه را به طور کلی تغییر داده است. سبک زندگی فردگرا، تعریف جدیدی از پیوندهای انسانی دارد. این تعریف، روابط انسانی پایدار گذشته را به روابطی سیال تبدیل کرده است. شبکه‌های سنتی نظیر گروه‌های خویشاوندی و همسایگی سهم کمتری از روابط اجتماعی افراد را تشکیل می‌دهند. ایجاد و حفظ ارتباطات اجتماعی عمیق، سخت‌تر شده است، اما از سوی دیگر اهمیت ارتباطات اجتماعی در عملکرد شخصی و جمعی افزایش یافته است.

ایده مدرن تفکیک نیز، که در سطح وسیع به معنای افزایش تخصص گرایی انسان‌ها، سازمان‌ها و نهادها به‌منظور سودمندی و مهارت‌های بیشتر است، سبب افزایش فاصله اجتماعی و کاهش اهمیت نهادهای سنتی شده است. در شهرها ایده تفکیک به سمت تعریف محلات با کاربرد خاص، جدایی‌گزینی بخش‌های اداری، مسکونی و تجاری و البته جدایی اقشار اجتماعی سمت‌وسو می‌یابد. مدرنیزاسیون شهری بر انزوا تأثیر مضاعفی هم داشته است چرا که همواره همراه با نابرابری بین مناطق شهری بوده است. تفکیک مناطق به توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته و یا غنی و فقیر از جمله ویژگی‌های مدرنیزاسیون شهری است. تفکیک فضایی معمولاً همراه با تفکیک اجتماعی و افزایش انزوای اجتماعی به‌خصوص برای محلات کمتر توسعه‌یافته است. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند تغییرات محیطی مدرن می‌تواند در ایجاد فاصله و انزوای اجتماعی مؤثر باشد.

در تهران فرایندهای مدرنیزاسیون شهری ساختار محلات و روابط همسایگی را تغییر داده است. با افزایش تحرک جغرافیایی، برای اغلب ما محله‌ها نسبت به گذشته معنای متفاوتی یافته است، باوجود آنکه همسایه هم در فرهنگ سنتی و هم در فرهنگ دینی ما معنای آشنایی و مسئولیت را تداعی می‌کند، امروزه تبدیل به یکی از بیگانه‌های زندگی ما شده است. تغییرات اجتماعی در حوزه خانواده نیز سبب کاهش روابط خویشاوندی شده است. شبکه‌های خویشاوندی که چندین نسل را شامل می‌شد، در گذشته یکی از مهم‌ترین عوامل هویتی و حمایتی افراد بوده است. امروزه این روابط به‌عنوان یک منبع حمایتی برای افراد کاهش پیدا کرده است. از سوی دیگر تهران مهاجران زیادی از شهرهای مختلف را پذیرفته، در نتیجه بسیاری از شهروندان دور از شبکه خویشاوندی خود زندگی می‌کنند.

در مجموع می‌توان گفت، تغییرات اجتماعی و محیطی سبب تغییر در نهادهای سنتی جامعه و کمرنگ شدن روابط انسانی پایدار گذشته شده است. از سوی دیگر جامعه ایرانی روابط مدرنی نظیر زندگی انجمنی و عضویت در گروه‌های اجتماعی را تجربه نکرده است. به همین جهت بسیاری از اقشار اجتماعی از دایره روابط و شبکه‌های انسانی بیرون مانده‌اند. به‌خصوص در شهر تهران به علت ویژگی‌های خاص کلانشهری به نظر می‌رسد، بسیاری از افراد دچار انزوای اجتماعی و حس تنهایی هستند. انزوای اجتماعی تأثیر زیادی بر سلامت روانی فرد و جامعه دارد. احساس انسان‌ها درباره ارتباطات اجتماعی خود، شاخص مهم

کیفیت زندگی و بهزیستی آنان است. احساس تنهایی و عدم تعلق به شبکه‌های اجتماعی افراد را مستعد آسیب‌هایی اجتماعی می‌کند. در سطح محلی نیز انزوای اجتماعی امکان جرم خیزی منطقه را افزایش می‌دهد. افزایش انزوای اجتماعی در جامعه می‌تواند باعث اختلال اجتماعی شده، و برای انسجام جامعه خطری جدی باشد. چرا که میزان حس تعلق به جمع را کاهش داده امکان مشارکت اجتماعی را تقلیل می‌دهد. در نتیجه آشنایی با میزان انزوای اجتماعی و تبیین آن برای سیاست‌گذاری اجتماعی لازم و ضروری است. این پژوهش قصد دارد به دو سؤال در این زمینه پاسخ دهد: ۱- میزان انزوای اجتماعی در بین ساکنان مناطق مختلف تهران چقدر می‌باشد؟ ۲- چه عوامل اجتماعی بر میزان انزوای اجتماعی تأثیر دارند؟.

پیشینه تجربی

در مورد مطالعه انزوای اجتماعی در شهر تهران دو مطالعه قبلی وجود دارد. چلبی و امیرکافی (۱۳۸۱) به مطالعه انزوای اجتماعی و علل و پیامدهای آن پرداختند. آن در یک تحقیق پیمایشی در بین ۷۳۴ نفر از شهروندان شهر تهران و کرمان که سنین ۲۰ تا ۷۰ سال داشتند پرسشنامه پخش کردند. نتایج نشان داد که میانگین روابط خانوادگی در بیشتر از حد متوسطی است. درباره روابط محلی یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین این شاخص نیز در حد متوسط قرار دارد. در مورد پیوندهای انجمنی، نتایج نشان‌دهنده میانگین بسیار پایین پاسخگویان است. طبق یافته‌ها میزان انزوای اجتماعی بیش‌تر از حد متوسط است. یافته‌های کلانتری و حسینی‌زاده آرانی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد شهروندان تهرانی از نظر انزوای اجتماعی در پنج بعد روابط خانوادگی، روابط محلی، روابط فرامحلی، پیوندهای انجمنی و سرمایه اجتماعی، در وضعیت حاد و بحرانی قرار گرفته‌اند. به‌طوری‌که میانگین انزوای اجتماعی در میان آن‌ها ۶۲/۹۴ است که بالاتر از حد متوسط بوده و نشان‌دهنده این است که انزوای اجتماعی در جامعه شهری تهران گسترش زیادی پیدا کرده است. یافته‌های آماری حول محور حمایت اجتماعی بیانگر آن است که میانگین حمایت اجتماعی دریافتی در حجم نمونه مورد مطالعه ۶۱/۶۰ است که بالاتر از حد متوسط بوده است.

پژوهش‌های داخلی دیگر در رابطه با انزوای اجتماعی بیشتر به بررسی رابطه بین انزوای اجتماعی و استفاده از اینترنت و فضای مجازی در بین جوانان و بیشتر دانشجویان پرداخته‌اند. در این رابطه می‌توان به پژوهش‌های علی ربیعی و محمد زاده، محمدی جو و رسول‌زاده اقدم و همکاران اشاره کرد. هر سه پژوهش به بررسی نظریات موافق و مخالف پیامدهای استفاده از فضای مجازی پرداخته‌اند و در نهایت یافته‌های پژوهش‌ها رابطه معنادار معکوس بین انزوای اجتماعی و استفاده از فضای مجازی را تایید می‌کنند. در رابطه با انزوای اجتماعی جوانان و اینترنت دو پژوهش دیگر سجادیان و نادری و مه سیمیا پور شهریاری رابطه افسردگی، انزوا و استفاده از اینترنت را بررسی کرده‌اند. بر اساس پژوهش شهریاری اثر اینترنت بر میزان افسردگی، انزوای اجتماعی و ارتباطات خانوادگی چه در زمینه افزایش و چه در کاهش آن بستگی شدید به نوع استفاده و زمان اختصاص داده شده دارد. اگر نوجوان به دلیل ایجاد ارتباط با دیگران و استحکام روابط اجتماعی از اینترنت استفاده کند منجر به کاهش افسردگی و احساس تنهایی می‌شود ولی اگر برای فرار از حقایق مورد استفاده قرار گیرد باعث کاهش در روابط اجتماعی، خانوادگی و افزایش احساس افسردگی خواهد شد.

از میان پژوهش‌های خارجی موجود می‌توان به دو مورد پژوهش مرتبط با انزوای اجتماعی و نابرابری محلات اشاره کرد. مقاله‌ای با عنوان تحرک در انزوا: تأثیرات محله، فضاهای منفک و نابرابری، کورینا گریف،^۱ ۲۰۱۱ به اهمیت محلات در شکل‌دهی به رفتار و بهزیستی ساکنان می‌پردازد. در واقع این پژوهش مشارکت در تأثیرات محله و نابرابری شهری با تأکید بر محله است. این پژوهش قصد دارد سوالات زیر را پاسخ دهد: چگونه جغرافیای شهری، نابرابری و محرومیت فضایی، بهزیستی و فقر درون‌شهری را شکل می‌دهد؟ و دوم جدایی‌های قومی، نژادی در تحرک ساکنان و سوم تأثیر میزانی که فضا، مکان پروسه‌های جمعی، شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های محلی بر افراد در گرایش به رفتارهای انحرافی در بین جوانان و سلامت ذهنی آنان دارد. جمعیت نمونه از ۵ شهر آمریکا، شیکاگو بوستون، بالتیمور، نیویورک و لس‌آنجلس انتخاب شده‌اند. یافته‌ها نشان

1. Graif, Corina

می‌دهد اول بسترهای فضایی نظیر نزدیکی به گتو سلامت ذهنی افراد را کاهش می‌دهد. دوم، نابرابری فضایی به شیوه‌های مهمی تفاوت‌های جنسیتی را در درگیری جوانان در رفتارهای خطرناک و انحرافی توضیح می‌دهد. سوم مسیرهایی فضایی در تحرک اجتماعی گروه‌های قومی و نژادی متفاوت است. اغلب مجاورت فضایی و شباهت بین دو محله در ابعاد مختلف، الگوهای تحرک ساکنان را مشابه می‌کند.

مقاله دیگری با عنوان انزوای اجتماعی در مناطق برخوردار و محروم، بازتولید نابرابری در فضاهای شهری، کریو^۱ و همکاران، ۲۰۱۳، به آزمون انزوای اجتماعی ساکنان جوامع محروم و برخوردار پرداخته است. مقاله مذکور بر این ادعاست که ساکنان هر دو محله‌های محروم و برخوردار انزوای اجتماعی را تجربه کرده‌اند زیرا زمان بیشتری از روز و زندگی روزمره خود را در محله‌های غیرمشترک صرف کرده‌اند و انزوای اجتماعی در افراد و محله‌هایی با پویایی قومیتی تشدید می‌یابد. داده‌های به‌دست آمده از خانواده‌ها و محله‌های لس‌آنجلس نشان می‌دهد که انزوای اجتماعی در تمام مناطق و محله‌های شهر توسط ساکنان در هر دو گروه برخوردار و محروم تجربه شده است. آفریقایی - آمریکایی و لاتین تبارها و ساکنان مناطقی که بیشتر افراد آن لاتین تبار بودند و مناطق محروم از میزان انزوای اجتماعی بیشتری رنج می‌بردند.

چایل^۲ و همکاران به مطالعه تجربه انزوای اجتماعی در مناطق آپارتمان‌نشین مرکز شهر اوکلند در سال ۲۰۱۴ پرداخته‌اند. در این مقاله این موضوع که چگونه محیط فیزیکی و ادراک از امنیت در ساختمان‌های آپارتمانی مرکز شهر (مجمع‌های آپارتمانی بلندمرتبه) بر تعاملات بین ساکنان و محله آنان دلالت دارد مورد سنجش قرار گرفته است. در بخش یافته‌ها، نویسندگان تجربیات و اظهاراتی مبنی بر انزوای اجتماعی در همه گروه‌های سنی یافته است و بیشترین مقدار انزوای اجتماعی را در میان دانش‌آموزان (یا دانشجویان) و افراد مسن بالای ۶۰ سال گزارش کرده است. معرفی دو شکل از انزوای اجتماعی نامیده شده به نام‌های انزوای اجتماعی عملکردی و ساختاری منجر به گسترش تجزیه و تحلیل‌های قبلی راجع به انزوای اجتماعی شده است. طبق یافته‌ها تنها زندگی کردن یا انزوای

1. Krivo, Lauren J, Peterson, Heather M
2. Chile, Xavier

انزوای اجتماعی، توسعه یافتگی مناطق شهری و ... ۷

اجتماعی ساختاری ضرورتاً به انزوای اجتماعی عملکردی منجر نمی‌شود و همچنین ارتباط بین انزوای اجتماعی عملکردی و خودکارآمدی افراد مسن به‌ویژه آن‌هایی که دارای پیشینه مهاجرتی بودند، تأیید می‌شود.

نژاد، طبقه و جرم توجه محدود به تأثیرات فضا بر انزوای اجتماعی، مقاله‌ای از سوی ادوارد شیهاده^۱ در سال ۲۰۱۷ است. این مقاله دو دیدگاه را درباره انزوای اجتماعی و جرم آزمون می‌کند. اول درباره سیاهان غیرفقیردر قسمت‌های مرکزی شهر که یک انزوای طبقاتی سیاه‌پوستی ایجاد کرده است. دوم به مشخص کردن آسیب‌های انزوای نژادی در جاهایی از شهر که سیاهان از سفیدها جدا شده‌اند، می‌پردازد. منظور از انزوای طبقاتی، اینجا آن دسته از سیاهان هستند که فقیر هم هستند. در مجموع از کلیه فضاهای شهری ۲۷۸ محله در یکی از شهرهای آمریکا انتخاب شدند. طبق یافته‌ها خشونت بیشتر با انزوای طبقاتی در این محلات ارتباط دارد تا انزوای نژادی. این پژوهش دو راه متفاوت تعریف انزوای اجتماعی را آزمون می‌کند و این که هرکدام چقدر انزوای اجتماعی را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها تأثیر فقر و نابرابری را بر انزوای اجتماعی تأیید می‌کنند. این در حالی است که پیش از این ادبیات بیشتری راجع به تأیید انزوای نژادی وجود داشت تا انزوای طبقاتی.

چارچوب نظری

در بین رویکردهای ابتدایی فردیناند تونیس در توضیح تغییرات اجتماعی جوامع انسانی معتقد است، انقلاب صنعتی و شهری شدن سریع در اروپا، تغییراتی را در روابط اجتماعی افراد ایجاد می‌کند. تونیس اجتماع محلی سنتی یکپارچه‌ای که مبتنی بر محل و مکان و روابط غیررسمی است را گمن شافت^۲ و در مقابل گزل شافت^۳ را جامعه شهری و مدرن با روابط اجتماعی رسمی تعریف می‌کند. اجتماع محلی به‌واسطه زندگی گروهی و جمعی در یک مکان و فضا پدید می‌آید و شالوده آن احساس ریشه‌داری و تعلق افراد به مکان‌هایی

-
1. Shihade
 2. Gemeinschaft
 3. Gesellschaft

است که در آن زندگی می‌کنند. این تعلقات آمیزه‌ای از تعلقات جغرافیایی و اجتماعی است و بیان می‌کند که در گمن شافت، فرد با گذشت زمان یک وابستگی را احساس می‌کند در حالی فرد در گزل شافت همان‌گونه وارد می‌شود که گویی وارد یک کشور بیگانه شده است. علاوه بر این تونیس می‌گوید که گمن شافت را باید مانند یک ارگانسمی‌زنده و گزل شافت را همانند انبوهه‌ای مکانیکی و محصولی مصنوعی درک کرد (کیویستو، ۱۳۸۶: ۱۲۷). تونیس اشاره می‌کند که در گزل شافت فرد تنها به منافع خودش توجه می‌کند و تا جایی با کنش‌های دیگران موافق است که منافع او را تأمین نمایند. در این شرایط تنها دولت است که منبع وحدت است اما درعین‌حال از آن اقتدار طبیعی که در نظام پدرسالاری، سالمند روستایی با روحانیون که در گمن شافت وجود داشت دیگر خبری نیست (سوندرز، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۴۹). توصیف تونیس از گزل شافت جامعه‌ای همراه با امکان افزایش انزوای اجتماعی است.

به نظر دورکیم نیز بحران جامعه مدرن از دست رفتن پیوندهای اجتماعی و همبستگی است. جوامع جدید به سبب تغییر از همبستگی مکانیکی مبتنی بر یکسانی ارزش‌ها و هنجارها به همبستگی ارگانیکی مبتنی بر تمایز و تفاوت ممکن است با مشکل عدم وابستگی و همبستگی میان فرد و اجتماع مواجه شوند (آرون، ۱۳۸۷: ۵۶). افرادی که نتوانند با جامعه خود و اجتماعات محلی ارتباط برقرار کنند دچار مسائلی نظیر احساس انزوا، بیرون ماندگی و فاصله شده و می‌توانند مستعد خودکشی فردگرایانه، خودخواهانه و یا آنومیک شوند. یکی دیگر از کسانی که می‌توان از نظراتش در فهم انزوای اجتماعی بهره برد زیمل است. او در کار خود با عنوان «کلان‌شهر و حیات ذهنی» به تمایل به خویش‌تنداری بین مردم شهر توجه می‌کند. به اعتقاد زیمل این خویش‌تنداری تنها به معنای بی‌تفاوتی نیست بلکه به معنای اکراه، بیگانگی دوجانبه و تنفر نیز هست. از نظر او روابط بی‌تفاوت یا حتی روابط همراه با اکراه تنها راه عملی برای همراه بودن با تعداد بی‌شماری بیگانه در فضاهای پرازدحام شهر است. این امر این امکان را فراهم می‌کند که فرد با دیگران ناشناخته بسیاری همزیستی نماید. بنابراین خودداری از کنش متقابل، تنها به معنای کناره‌گیری اجتماعی نیست، بلکه شرط اولیه برای زندگی اجتماعی است که آرامش افراد را همراه با

انزوای اجتماعی، توسعه یافتگی مناطق شهری و ... ۹

صلح نسبی اجتماعی تضمین می‌کند (زیمل، ۱۳۷۲). به اعتقاد زیمل این تأثیر اجتماعی، بیانگر یک حقیقت فضایی در شهر مدرن است. شهر مدرن، با این که مردم را از نزدیک به هم فشرده می‌کند اما یک جدایی فضایی را ایجاد می‌کند. بودن در یک شهر شلوغ، تناقض بین ماهیت جمعی زندگی اجتماعی و انزوای بنیادی فرد، تناقض بین مطالبات گروه و فرد را بزرگ نشان می‌دهد (تانکیس، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷). تانکیس با نگاهی متفاوت بیان می‌کند که تقسیمات فضا حقایق ساده فیزیکی نیستند، بلکه محصولاتی اجتماعی‌اند. او می‌گوید که زیمل در جامعه‌شناسی فضا ادعا دارد که مرز یک حقیقت فضایی با تبعات جامعه‌شناختی نیست، بلکه یک حقیقت جامعه‌شناختی است که خودش را به‌طور فضایی شکل می‌دهد.

نخستین جامعه‌شناسان شهری در مکتب شیکاگو تأثیر زیادی از تونیس، دورکیم و زیمل پذیرفته‌اند. ورث در "شهرنشینی به‌مثابه سبک زندگی" سال ۱۹۳۸ معتقد است شهر با سه ویژگی حجم، تراکم و ناهمگونی سبب قطعه‌قطعه شدن زندگی اجتماعی شده میزان و کیفیت روابط اجتماعی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر پارک معتقد است شهرنشینی با تشکیل موزاییک‌های شهری یا همان ناحیه‌های طبیعی اجتماعات محلی خود را با حدی از وحدت کارکردی و اخلاقی تشکیل می‌دهند. موزاییک‌ها یا جهان‌های اجتماعی کوچک که در جوار یکدیگر ولی با تمایز و فاصله‌های اجتماعی قرار دارند (ساندرز، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۰۵). این امر امکان گذر سریع و آسان افراد را از یک محیط اخلاقی به محیط دیگری فراهم کرده و تجربه مسحورکننده اما خطرناک زندگی در چند جهان متفاوت هم‌جوار، اما به‌شدت جدا از یکدیگر را در یک‌زمان ممکن می‌سازد.

حرکت بعدی در تحلیل انزوای اجتماعی در شهر پیوند دادن شکل‌گیری اجتماعات با الگوهای تفاوت اجتماعی نظیر قومیت و طبقه بود. این کار با توصیف گروه‌های متفاوت اجتماعی و فضاها تفکیک‌شده در شهر انجام شد (تونکیس، ۱۳۹۰: ۲۵). برحسب این رویکرد بخشی از یک اجتماع بودن را می‌توان نشانه‌ای از محرومیت اجتماعی دید. به‌عنوان مثال ورث به مطالعه گتوهای مهاجرین یهودی می‌پردازد. اجتماع فرهنگی که بر اساس زبان، تاریخ طولانی طرد شدن و ارزش‌های مشترک شکل‌گرفته است (فکوهی، ۱۳۸۳). انزوای اجتماعی در بین طبقات پایین، گتوهای شهری را ایجاد و افزایش داده است. در مورد طبقات پایین جنوب شهری هم این اتفاق افتاده است. گتوهای شهری با

مسائل اجتماعی جدی همراه هستند. ادبیات زیادی راجع به تفکیک و تأثیر آنها بر جرم وجود دارد (Shihade, 2009: 6, Massy, Denton, Farley). در دیدگاه کسانی مثل پارک و برگس سازمان‌های اجتماعی در اجتماع‌ها عامل کلیدی در نرخ انحرافات اجتماعی در بین محلات شهری است. جرم نتیجه به‌هم‌ریختگی اجتماعی است. هر چه عضویت در سازمان‌های اجتماعی بیشتر باشد انتظار می‌رود که پیوستگی با اجتماع افزایش پیدا کند (Lanier, 2009: 12).

بنابراین انزوای اجتماعی در رویکردهای اخیر به‌عنوان شکلی از محرومیت اجتماعی مطرح می‌شود. در واقع انزوای اجتماعی به شکل جدیدی از نابرابری اجتماعی در توزیع منابع غیرمادی اشاره می‌کند. پروژه‌های مدرن نوسازی شهری با جداسازی کاربری‌های مختلف، کاربران مختلف را نیز از یکدیگر تفکیک می‌کند. یکی از پیامدهای این تفکیک، تفکیک طبقاتی است. جیکوبز این فرایندها را با عنوان اشکال حصر مطرح می‌کند. اشکال حصری که ضمن سازمان‌های فضایی معمولاً با طبقه و قوم پیوند دارند. به‌عبارت‌دیگر روندهای مدرنیزاسیونی که ورث و سایرین آن‌ها را علیه اجتماعات انسانی می‌پنداشتند نه‌فقط اجتماعی، بلکه فضایی است و از نیمه قرن بیستم در دگرگونی فیزیکی محیط‌های شهری بیان مادی عمیقی یافته است. برنامه‌های نوسازی شهری مهاجرین و متفاوت‌ها را از سویی پراکنده و طرد می‌کند. از سوی دیگر محیط طبقاتی شهر آن‌ها را در محله‌هایی خاص متمرکز می‌کند (تونکیس، ۱۳۹۰: ۳۰). به همین جهت در پژوهش‌های شهری اخیر از مفهوم طرد اجتماعی راجع به مناطق محروم و یا اقلیت شهری استفاده می‌شود.

انزوای اجتماعی می‌تواند با طرد اجتماعی^۱ و فرهنگی همراه باشد که در آن انسان‌ها از الگوهای رفتاری مسلط، جهت‌گیری‌های سبک زندگی و ارزش‌های جامعه بریده می‌شوند. از سوی دیگر انزوای اجتماعی می‌تواند با طرد نهادی به دلیل نداشتن دسترسی به امکانات در نظر گرفته شده برای افراد همراه شود. طرد اجتماعی برای فهمیدن و سنجیدن رابطه افراد با حوزه‌های متفاوت جامعه به کار می‌رود. (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲۷). رویکردهای مختلف به اجتماع محلی هر یک فهمی متفاوت از طرد به دست می‌دهند. در رویکرد فضایی

به اجتماع محلی، طرد برحسب فقدان مشارکت در یک قلمرو جغرافیایی تعریف می‌شود، در رویکردهای غیر فضایی یا فرهنگی، طرد بیشتر با احساس عدم تعلق فرد به اجتماعات هویت‌بخش و نه لزوماً محلی ارتباط دارد. طرد ممکن است همچنین حاصل مرزبندی‌های اجتماعی و شکل‌گیری پیوندهای همگون در اجتماعات شدیداً بسته باشد و یا طبق رویکرد اجتماع‌گرایی چون پاتنام بازتابی از تضعیف ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی تلقی شود. در هر صورت نتیجه برای فرد یا گروه مطرود می‌تواند مسائلی از این دست باشد: شبکه‌های اجتماعی ضعیف، فقدان حمایت‌های اجتماعی، عدم مشارکت اجتماعی، احساس عدم تعلق (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۶۱).

انزوای اجتماعی همچنین مفهومی روان‌شناختی- اجتماعی است. و ضمن تأکید بر ساختار رسمی شبکه‌های اجتماعی فرد و روابط موجود در آن، تمرکز بر کیفیت روابط نیز هست. کیفیت تابع عملکردی است که یک رابطه برای شخص دارد، به‌ویژه میزان و نوع حمایتی که رابطه ارائه می‌دهد. در واقع انزوای اجتماعی با اطلاعات کم‌وبیش واقعی درباره شبکه شخصی افراد، دامنه شبکه و حضور افرادی که می‌توانند حمایت اجتماعی ارائه دهند سنجیده می‌شود (هورتولانوس، ۱۳۹۴: ۶۴). همچنین کیفیت روابط در شبکه به همان صورت که خود انسان‌ها آن را تجربه می‌کنند، تمرکز دارد. بنابراین این رویکرد در رابطه با تجربه ذهنی از شبکه شخصی است و بر فقدان تعاملات با ارزش و معنادار با دیگران تأکید می‌کند. تنهایی نتیجه اختلاف میان روابط مطلوب و موجود است. تنهایی حاصل معنایی است که انسان‌ها خودشان به تجربیات با دیگران نسبت می‌دهند. (هورتولانوس، ۱۳۹۴: ۶۷). از سوی دیگر تحقیقات اجتماعی نشان داده‌اند که تجربه احساس تنهایی بیشتر از آن‌که مربوط به نوع و شبکه اجتماعی افراد باشد به انتظارات هنجاری آن‌ها و به هنجارهای فرهنگی و قواعد احساسی آن جامعه مرتبط است. زیگموند باومن در مجموعه آثار خود مربوط به مدرنیته سیال توضیح می‌دهد که شکل جدیدی از اجتماع در دوره معاصر به وجود آمده است که افراد آرزو می‌کنند از وابستگی‌های اجتماعی محکم و سفت که تعهد و وظیفه طلب می‌کند، اجتناب کنند و به دنبال برقراری روابط سیال و انعطاف‌پذیر هستند. این روابط نه تنها مربوط به عشاق بلکه مربوط به دوستان، همسایگان، همکاران و به‌طور کلی

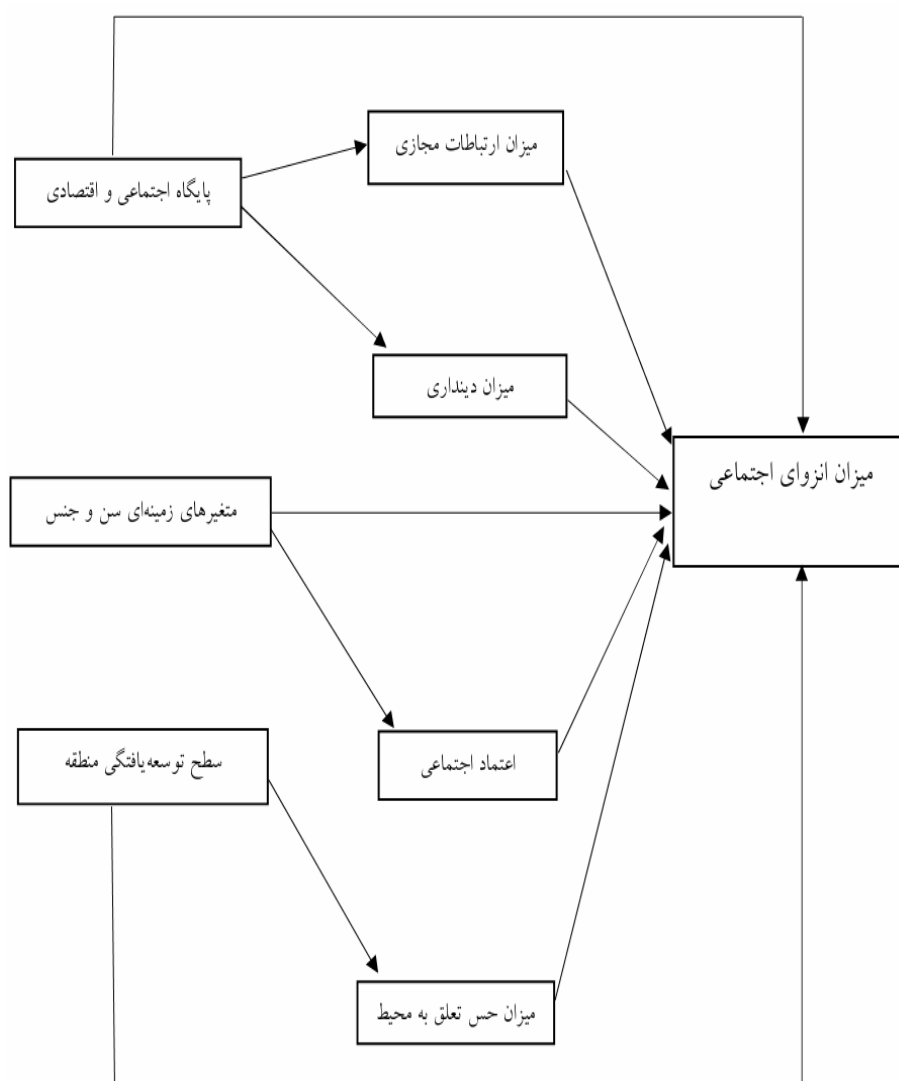
روابط اجتماعی است. پس در شرایط مدرنیته سیال، تنهایی به‌عنوان یک ساختار اجتماعی موجود می‌باشد (Franklin, 2012: 14-16).

همان‌طور که نظریات مرور شد، می‌توان گفت انزوای اجتماعی مفهومی است که با مدرنیته، افزایش فردگرایی، سبک زندگی شهری، گسست از مناسبات سنت و تغییر الگوی روابط اجتماعی به دست می‌آید. انزوای اجتماعی به معنای فقدان روابط اجتماعی مناسب و کافی یادآور نخستین نگرانی‌ها و دغدغه‌های جامعه‌شناسان کلاسیکی مانند دورکیم در موضوع انسجام اجتماعی است. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت انزوای اجتماعی، آسیب‌شناسی جامعه‌شناسان نخست مانند دورکیم، تونیس و زیمل از مدرنیته است. در کلانشهر و حیات ذهنی زیمل جامعه‌پذیری کلانشهری‌ها را همراه با نوعی فاصله اجتماعی و کاهش کیفیت روابط انسانی توصیف می‌کند. بنابراین در تحلیل‌های نخست انزوا به‌مثابه پیامد مدرنیته تبیین می‌شود. با شکل‌گیری مکتب شیکاگو و نظریات ورث و پارک در ادبیات جامعه‌شناسی شهری همچنان به انزوا به‌عنوان آسیب شهرهای مدرن نگریسته می‌شود، با این تفاوت که انزوای اجتماعی تبدیل به مفهومی فضا‌مند شده و با موضوعات مهاجرت و مناطق شهری پیوند می‌خورد. پارک را شاید باید نخستین جامعه‌شناس شهری دانست که چرخش فضایی را در تحلیل‌های شهری آغاز کرد. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری شیکاگویی‌ها بحث اجتماعات شهری محلی و انطباق آنان با جامعه بزرگ‌تر شهر بود. ورث به‌طور خاص به موضوع گتوهای شهری به‌عنوان محلات منزوی شهر پرداخت. پارک ناحیه‌های طبیعی شهر را دارای وحدت کارکردی و موضوعی تعریف کرد، تا الگوی انسجام و انزوای درون‌گروهی و برون‌گروهی موجود در شهرها را با رویکردی فضایی تعریف کند. از نظر او تقسیمات فضایی شهر با ارتباطات اجتماعی رابطه تنگاتنگ دارند. می‌توان گفت در این رویکردها انزوا به‌مثابه پیامد شهرنشینی و در ارتباط با تفکیک فضایی شهر تبیین می‌شود.

گام بعد در تحلیل انزوای اجتماعی با تأکید جامعه‌شناسان شهری اخیر با نابرابری و تفکیک فضاهای شهری شکل گرفت. طبق این رویکردها نابرابری‌های فضایی شهر با نابرابری‌های طبقاتی پیوند خورده و سلسله‌مراتب اجتماعی، فضایی شهرها را شکل

می‌دهند. عضویت در شبکه‌های اجتماعی مهم‌ترین سرمایه انسانی است که حلقه واسط نابرابری و محرومیت می‌گردد. انزوای اجتماعی امکان دسترسی به فرصت‌های تحرک نظیر اشتغال را کاهش می‌دهد و فقر و محرومیت را پایدار می‌سازد. بنابراین این پژوهش نیز در تحلیل انزوای اجتماعی در شهر تهران منطقه شهری را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای مستقل خود در نظر گرفته است. به‌خصوص به جهت آنکه توزیع طبقاتی جمعیت شهر تهران در مناطق شمال و جنوب شهر به‌عنوان مناطق توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته بر اساس پژوهش‌های بسیاری تایید شده است. معمولاً پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد با این الگوی توزیع هماهنگ است.

متغیرهای مستقل دیگر مدل نظری نیز بر اساس نظریه‌های مرور شده در چارچوب نظری و همچنین پژوهش‌های تجربی پیشین و رویکرد نویسنده در نظر گرفته شده‌اند. میزان ارتباطات مجازی طبق نظر افرادی نظیر باومن آنچنان که در سطرهای پیش آمد، سبب کاهش ارتباطات انسانی عمیق و پایدار می‌گردد. همچنین ادبیات تجربی پیشین نیز ارتباط معکوس بین انزوا در بین جوانان با میزان استفاده از ارتباطات اینترنت را تایید می‌کنند. متغیر دینداری با توجه به ویژگی دینداری جامعه ایرانی و همچنین به این واسطه که معمولاً شبکه‌های انسانی سنتی حول ارتباطات دینی فرد در مساجد و جلسات و هیئت‌های مذهبی شکل می‌گیرد، که امکان دارد میزان انزوا را کاهش دهد، طراحی شده است. اعتماد اجتماعی به‌عنوان پیش‌زمینه لازم جهت ارتباطات انسانی و همچنین تعلق به محله و محیط زندگی نیز به‌عنوان یک متغیر پیشینی در ایجاد انگیزه افراد برای برقراری ارتباطات انسانی در نظر گرفته شده‌اند.



شکل شماره ۱ - مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- رابطه معناداری میان توسعه‌یافتگی محل سکونت و انزوای اجتماعی افراد وجود دارد. به طوری که هر چه محل سکونت توسعه‌یافتگی کمتری داشته باشد، انزوای اجتماعی افزایش می‌یابد.
- رابطه معناداری میان پایگاه اقتصادی اجتماعی و انزوای اجتماعی افراد وجود دارد. به طوری که هر چه پایگاه اجتماعی افراد افزایش یابد، میزان انزوای اجتماعی کاهش می‌یابد.
- رابطه معناداری میان میزان اعتماد اجتماعی و انزوای اجتماعی افراد وجود دارد. به طوری که هر چه اعتماد افزایش یابد میزان انزوای اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.
- رابطه معناداری میان میزان ارتباطات مجازی و انزوای اجتماعی افراد وجود دارد. به طوری که هر چه میزان ارتباطات مجازی افزایش یابد، میزان انزوای اجتماعی کاهش می‌یابد.
- رابطه معناداری میان حس تعلق به محله و انزوای اجتماعی افراد وجود دارد. به طوری که هر چه تعلق به محله افزایش یابد، میزان انزوای اجتماعی کاهش می‌یابد.
- رابطه معناداری میان میزان دینداری و انزوای اجتماعی افراد وجود دارد. به طوری که هر چه میزان دینداری افزایش یابد، انزوای اجتماعی کاهش می‌یابد.
- رابطه معناداری میان سن و انزوای اجتماعی شهروندان وجود دارد. به طوری که هر چه سن افزایش یابد، انزوای اجتماعی افزایش می‌یابد.
- رابطه معناداری میان جنس و انزوای اجتماعی افراد وجود دارد. به طوری که زنان انزوای اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند.

روش تحقیق

از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه در جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را شهروندان تهرانی ۲۰ سال به بالا تشکیل می‌دهند. برحسب پژوهش‌های پیشین که به رتبه‌بندی مناطق ۲۲ گانه تهران برحسب توسعه‌یافتگی کلی منطقه و وضعیت پایگاه اجتماعی - اقتصادی شهروندان پرداخته‌اند، شهروندان تهرانی بالاتر از بیست سال مناطق ۱ و ۳ به‌عنوان مناطق توسعه‌یافته و ۱۷ و ۱۹ به‌عنوان کمتر توسعه‌یافته، به‌عنوان

جمعیت نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند. به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای حدود ۴۰۰ نفر از شهروندان تهرانی انتخاب گردیدند. در مرحله نخست به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای محلات هر یک از چهار منطقه به نسبت جمعیت انتخاب می‌شوند. سپس با روش نمونه‌گیری تصادفی بلوک‌های هر محله انتخاب شده و در مرحله سوم بر اساس نمونه‌گیری سیستماتیک افراد مورد نظر انتخاب می‌شوند. در مرحله چهارم به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای به لحاظ اهمیت متغیرهای زمینه‌ای سن و جنس افراد مورد پرسش قرار می‌گیرند. به طوری که تعداد نسبتاً مساوی از زن و مرد و جوان، میانسال و سالمند داشته باشیم.

برای بالا بردن اعتبار پرسشنامه ابتدا اعتباری صوری سؤالات با استفاده از نظرات داوران مورد بررسی قرار گرفت. همچنین با مرور ادبیات نظری و تجربی موجود، تلاش شده است تا متغیرها و گویه‌هایی که در پژوهش‌های ملی و بین‌المللی پیشین وجود داشته‌اند مورد توجه و استفاده قرار گرفته شوند تا اعتبار پژوهش حاصل گردد. در مورد آزمون اعتبار شاخص تکنیک‌های مختلفی استفاده می‌شود. در این پژوهش همانند تکنیک تحلیل عامل، ابتدا همبستگی دوبه‌دوی کلیه مؤلفه‌های مربوط محاسبه شده است، که بین مؤلفه‌ها همبستگی مثبت و معنادار حداقل در سطح ۰/۰۱ وجود داشته باشد. در مرحله بعد برای افزایش اعتبار درونی، همبستگی بین شاخص ساخته شده و یکایک مؤلفه‌های متشکله آن محاسبه شده است و از ضریب آلفا برای آزمون پایایی استفاده شده است. همان‌طور که آورده شد، جهت اطلاع از میزان توسعه‌یافتگی مناطق شهری از پژوهش‌های پیشین استفاده شد که نتایج یک مورد پژوهش به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۱- نتایج یکی از پژوهش‌های پیشین درباره میزان توسعه یافتگی شهری

خوشه‌بندی هفت‌گانه	مناطق ۲۲ گانه شهری	سطح پایگاه اجتماعی و اقتصادی
خوشه نخست	۱۶-۱۲-۱۸-۱۷	خیلی پایین
خوشه دوم	۱۹-۱۱-۲۰-۱۵	پایین
خوشه سوم	۷-۲۱-۹	متوسط به پایین
خوشه چهارم	۱۰-۴-۱۴	متوسط
خوشه پنجم	۸-۱۳	متوسط به بالا
خوشه ششم	۶-۲۲-۱-۳-۵	بالا
خوشه هفتم	۲-۳	خیلی بالا

منبع: غیاثوند، ۱۳۹۴

تعریف مفاهیم

انزوای اجتماعی

مفهوم انزوای اجتماعی یک مفهوم بین‌رشته‌ای است که به حوزه‌های متنوعی مثل روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مرتبط می‌شود. پژوهشگران بسیاری به تعریف انزوای اجتماعی از دید خود پرداخته‌اند و جنبه‌های مختلف آن را مطالعه نموده‌اند. به‌طور مثال از نظر ویلسون، انزوای اجتماعی، عدم ارتباط یا تعاملات پایدار با افراد یا نهادهایی است که نشان‌دهنده جریان اصلی جامعه هستند (Wilson, 1987). یا دلسی انزوای اجتماعی را با فقدان کمی و کیفی تماس‌های اجتماعی تعریف می‌کند (Delisl, 1988) زندگی بدون همراهی، سطح پایین تماس‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی کم، احساس جدایی از دیگران، خارجی بودن، منزوی بودن و رنج بردن از تنهایی از ویژگی‌های مفهوم انزوای اجتماعی است. انزوای اجتماعی با ترکیبی از سطح تعاملات اجتماعی پایین و تجربه احساس تنهایی تعریف می‌شود، که در آن جنبه‌های اجتماعی به شکل عینی اندازه‌گیری شده درحالی‌که جنبه‌های عاطفی به شکل کیفی اندازه‌گیری شده است. فاصله افراد، به‌صورت روانی یا جسم یا هردو از شبکه‌های اجتماعی که افراد علاقه و یا نیاز به حضور در آن‌ها دارند (Samuel, and Nicholson, 2013). در این پژوهش از تعریف کورنول و وایت (۲۰۰۹) هم استفاده شده است. که یکی به عدم ارتباطات اجتماعی و سطح پایین مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی تعریف می‌شود و دوم انزوای درک شده که با تجربه ذهنی و احساس تنهایی و کمبود حمایت اجتماعی تعریف می‌شود (Pederson, 2012: 2). با توجه به تعاریف یادشده انزوای اجتماعی در این پژوهش با دو بعد عینی (میزان ارتباطات اجتماعی و عضویت گروهی) و بعد ذهنی (ارزیابی از روابط شخصی، میزان حمایت دریافتی و احساس تنهایی) تعریف و سنجیده شده است.

جدول ۲- شاخص انزوای اجتماعی

مفهوم	ابعاد	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
انزوای اجتماعی	عینی	میزان ارتباط اجتماعی	میزان رفت‌وآمد با اعضای خانواده، خویشاوندان، همسایگان، دوستان
		عضویت گروهی	گروه‌های اجتماعی (امور شهر و مدارس، فرهنگی فرهنگسرا، NGOها، باشگاه‌های ورزشی انجمن‌های علمی، گروه‌های مذهبی، خیریه‌ها).
	ذهنی	ارزیابی شخصی از روابط اجتماعی خود	روابط خود با افراد زیر را چگونه ارزیابی می‌کنید: اعضای خانواده، خویشاوندان، همسایگان، دوستان.
		احساس تنهایی	احساس تنهایی و نیاز به رابطه عمیق و صمیمی
		میزان حمایت دریافتی	میزان حمایت دریافتی از دیگران در مواقع نیاز

حس تعلق

تعلق مکان شامل پیوندهای مثبت تجربه‌شده‌ای است که طی زمان و گاه به‌صورت ناخودآگاه و بر اساس پیوندهای احساسی، شناختی و رفتاری بین اشخاص و یا گروه‌ها و محیط اجتماعی آن‌ها شکل گرفته است. به بیان اسکنل و گیفورد، تعلق مکانی ابعاد سه‌گانه تعلق (عاطفی، شناختی و رفتاری) را در برمی‌گیرد. بعد عاطفی: رابطه مردم- مکان بی‌شک رابطه احساسی با یک مکان خاص است. به‌وسیله احساس مردم به مکان‌هایشان معنا می‌بخشند. این جنبه به انگیزه حضور و گذران وقت و پیوند حسی فرد با یک مکان تکیه دارد. بعد شناختی به خاطرات، اعتقادات، معانی و دانشی که افراد نسبت به مکان‌های شاخص آن دارند مرتبط می‌شود. بعد رفتاری به الگوی متداول رفتاری در آن مکان برمی‌گردد. چگونگی رفتار تحت تأثیر محیط تجربه‌شده است و هم به تجربه فرد در گذشته وابسته است و هم به محیط تجربه‌شده (Warzecha, 2001; Scannell, Gifford, 2012).

اعتماد اجتماعی

اعتماد در فرهنگ آکسفورد اتکا یا اطمینان به‌نوعی کیفیت یک شخص یا یک‌چیز یا اطمینان به حقیقت یک گفته، تعریف شده است. اعتماد به‌درستی همان پیوند میان اطمینان و ایمان است. از منظر گیدنز هرچه نفوذ سنت کمتر می‌شود و هرچه زندگی

روزمره بیشتر برحسب تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد بیشتر ناچار می‌شوند که شیوه زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند. در حضور عدم قطعیت و انتخاب‌های متعدد، مفاهیمی چون اعتماد و خطر کردن کاربردهایی خاص می‌یابند. گیدنز بحث درباره اعتماد را با مفهوم «غریبه» در دنیای مدرن آغاز می‌کند که یادآور زیمل و گافمن است. همان‌طور که زیمل می‌گوید با مدرنیته مفهوم «غریبه» دگرگون شد، در جوامع پیش از مدرن اجتماع محلی مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی و یا دیرپا بود که افراد خارج از آن به معنای واقعی کلمه غریبه بودند و مدت‌ها طول می‌کشید تا بتوانند خودی محسوب شده، اعتماد اجتماع را به خود جلب کنند به همین علت شخص غریبه همواره مورد ظن اجتماع محلی بود. اما در جوامع مدرن ما دائماً با کسانی همکنش داریم که یا آن‌ها را خوب نمی‌شناسیم و یا پیش‌تر هرگز آن‌ها را ندیده‌ایم (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۲).

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت نمونه

نتایج بررسی‌ها در خصوص محل تولد پاسخگویان نشان می‌دهد که در این مطالعه از بین ۴۰۰ شرکت‌کننده در تحقیق ۵۱/۵ درصد پاسخگویان را شهروندان خانم و ۴۸/۵ درصد را شهروندان آقا تشکیل می‌دهند. به لحاظ گروه سنی، ۷/۲ درصد کمتر از ۲۰ سال، ۲۱/۵ درصد بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۳۰ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۴/۸ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۶/۳ درصد بالای ۵۰ سال سن دارند، بر این اساس مشاهده می‌شود که در این مطالعه از گروه‌های سنی مختلف در تحقیق استفاده شده است. در بررسی وضعیت تأهل پاسخگویان مشاهده می‌شود که ۷۲/۸۷ درصد شرکت‌کنندگان در تحقیق متأهل، ۲۵/۸ درصد مجرد و ۱/۶ درصد بدون همسر بر اثر فوت و یا طلاق هستند. بررسی سطح تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد که ۲۴ درصد شهروندان شرکت‌کننده در تحقیق زیر دیپلم هستند، ۲۹/۸ درصد دارای گواهی دیپلم و فوق‌دیپلم، ۳۰ درصد دارای گواهی کارشناسی و ۱۶/۳ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. در بررسی وضع فعالیت شهروندان تهرانی مشاهده می‌شود

که ۳۸ درصد شرکت‌کنندگان در تحقیق شاغل، ۴/۸ درصد بیکار، ۱۰/۳ درصد دانشجو، ۹ درصد بازنشسته و ۳۷ درصد خانه‌دار هستند. به این سؤال ۳ نفر از افراد نمونه پاسخی نداده‌اند.

یافته‌های توصیفی

جدول ۳- میانگین انزوای اجتماعی و ابعاد آن در مناطق مختلف

مجموع	منطقه کمتر توسعه‌یافته	منطقه توسعه‌یافته	منطقه ۱۹	منطقه ۱۷	منطقه ۳	منطقه ۱	منطقه ابعاد
۲/۶	۲/۷	۲/۶	۲/۶	۲/۸	۶/۲	۲/۵	میزان عدم ارتباطات اجتماعی
۴/۴	۴/۷	۴/۱	۴/۶	۴/۸	۴/۸	۴/۵	عدم عضویت در گروه‌های مختلف
۲/۵	۲/۷	۲/۳	۲/۵	۲/۸	۲/۴	۲/۲	ارزیابی شخص از عدم کیفیت روابط
۲/۱	۲	۲/۲	۲	۲/۱	۲/۱	۲/۲	احساس تنهایی
۳	۳	۲/۹	۲/۹	۳/۲	۲/۹	۲/۹	عدم احساس حمایت
۳/۴	۳/۵	۳/۳	۳/۴	۳/۶	۳/۵	۳/۱	بعد عینی انزوای اجتماعی
۲/۴	۲/۵	۲/۴	۲/۴	۲/۵	۲/۴	۲/۴	بعد ذهنی انزوای اجتماعی
۲/۷	۲/۸	۲/۷	۲/۷	۲/۹	۲/۷	۲/۶	انزوای اجتماعی

یافته‌ها نشان می‌دهد، به‌طورکلی شهروندان به میزان میانگین ۲/۷ دچار انزوای اجتماعی هستند. بعد عینی انزوای اجتماعی شامل عدم ارتباطات اجتماعی و عدم عضویت در گروه‌های مختلف در مقایسه با بعد ذهنی از میزان میانگین بیشتری برخوردار است.

انزوای اجتماعی، توسعه یافتگی مناطق شهری و ... ۲۱

به طوری که میانگین بعد عینی ۳/۴ می باشد. بعد ذهنی شامل ارزیابی شخصی از کیفیت روابط، احساس تنهایی و احساس حمایت با میانگین ۲/۴ از وضعیت بهتری برخوردار است. در مقایسه ابعاد مختلف عدم عضویت گروهی با عدد ۴/۴ از میانگین بالاتری نسبت به ابعاد دیگر برخوردار است و احساس تنهایی با عدد ۲/۱ کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است. در مقایسه مناطق توسعه یافته و توسعه نیافته یافته های پژوهش نشان می دهد، مناطق کمتر توسعه یافته از میانگین انزوای اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. این تفاوت به خصوص در مورد بعد عینی و عضویت گروهی محسوس می باشد. به طوری که در مناطق کمتر توسعه یافته عدم عضویت گروهی ۴/۷ و در مناطق توسعه یافته ۴/۱ می باشد.

جدول ۴- ارزیابی کیفیت روابط اجتماعی

میانگین عدم کیفیت	مجموع	کاملاً صمیمی	صمیمی	معمولی	ضعیف	خیلی ضعیف	کیفیت ارتباط گروه ها
	۳۹۸	۲۸۲	۱۰۴	۱۱	۱	۰	روابط با خانواده
۱/۳۲	%۱۰۰	%۷۰/۹	%۲۶/۱	%۲/۸	%۰/۳	%۰	
	۴۰۰	۱۳	۲۳۷	۱۱۹	۲۰	۱۱	روابط با اقوام و خویشاوندان
۲/۴۵	%۱۰۰	%۳/۳	%۵۹/۳	%۲۹/۸	%۵	%۲/۸	
	۳۹۴	۳۷	۲۰۱	۱۱۷	۲۳	۱۶	روابط با دوستان
۲/۴۴	%۱۰۰	%۹/۴	%۵۱	%۲۹/۷	%۵/۸	%۴/۱	
۳/۶۷	۳۹۷	۱	۳۳	۱۳۹	۱۴۶	۷۸	روابط با همسایگان

در رابطه با نوع یا الگوی روابط اجتماعی، یافته ها نشان می دهد شهروندان از الگوی سنتی- مدرن برخوردار هستند. به طوری که هنوز بیشترین ارتباط با اعضای خانواده می باشد. بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان اعلام کرده اند در مواقع تصمیم گیری با اعضای خانواده خود مشورت می کنند. ۹۴ درصد روابط خود را با خانواده صمیمی و کاملاً صمیمی ارزیابی کرده اند. که این الگوی سنتی را بازنمایی می کند. اما در مورد اقوام این عدد به ۶۳ درصد می رسد، یعنی چیزی نزدیک به دوستان که ۶۰ درصد از پاسخگویان آن را صمیمی و

کاملاً صمیمی دانستند. همچنین ارتباط با همسایه بافاصله زیادی از سایر گروه‌ها قرار دارد، به طوری که تنها ۹ درصد از پاسخگویان روابط خود را با همسایگان صمیمی و کاملاً صمیمی ارزیابی کردند.

یافته‌های تبیینی آزمون فرضیات

جدول ۵- آزمون تی استیودنت دو نمونه‌ای برای میانگین انزوای اجتماعی و توسعه‌یافتگی مناطق

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t آزمون	آزمون برابری واریانس‌ها		انحراف معیار	میانگین	گروه	
			سطح معناداری	آماره F آزمون				
۰/۰۰۰	۳۹۸	-۵/۰۷۴	۰/۴۷	۳/۹۷۲	۰/۵۲۲۱	۳/۲۵۸	مناطق توسعه‌یافته	بعد عینی
					۰/۴۸۹۲	۳/۵۱۵	مناطق کمتر توسعه‌یافته	
۰/۱۹۵	۳۹۸	-۱/۲۹۹	۰/۰۰۱	۱۰/۷۵۳	۰/۳۸۶۲	۲/۳۹۷	مناطق توسعه‌یافته	بعد ذهنی
					۰/۴۸۵۱۱	۲/۴۵۴	مناطق کمتر توسعه‌یافته	
۰/۰۰۳	۳۹۸	-۳/۰۱۲	۰/۰۳۲	۴/۶۲۵	۰/۳۶۸۰	۲/۶۷۵	مناطق توسعه‌یافته	انزوای اجتماعی
					۰/۴۴۶۰	۲/۷۹۸	مناطق کمتر توسعه‌یافته	

با توجه به دوطرفه بودن آزمون، به منظور رد یا پذیرش فرض صفر از مقایسه سطح معناداری با مقدار آماره آزمون ($\alpha = 0/05$) استفاده شد و یافته‌های پژوهش در جدول ۳ نشان داد که چون سطح معناداری آزمون تی استیودنت دو نمونه‌ای برای انزوای اجتماعی شهروندان از سطح آزمون ($\alpha = 0/05$) کوچک‌تر است، بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان فرض صفر برای این متغیر رد می‌شود. این امر بدین معناست که تفاوت معناداری بین انزوای

انزوای اجتماعی، توسعه یافتگی مناطق شهری و ... ۲۳

اجتماعی شهروندان ساکن در مناطق توسعه یافته و کمتر توسعه یافته وجود دارد و بنابراین فرضیه نخست پژوهش تأیید می شود. با توجه به میانگین می توان گفت انزوای اجتماعی شهروندان در مناطق کمتر توسعه یافته بیشتر است.

در مورد بعد عینی با ۹۵ درصد اطمینان فرض برابری میانگین میزان انزوای عینی شهروندان در مناطق توسعه یافته و توسعه نیافته رد می شود. با توجه به آنکه میانگین میزان انزوای عینی در مناطق کمتر توسعه یافته برابر ۳/۵۱ بوده و از میانگین مناطق توسعه یافته ۳/۲۵ بزرگ تر است پس می توان گفت انزوای عینی اجتماعی شهروندان در مناطق کمتر توسعه یافته بیشتر است.

اما با تکرار آزمون برای دو بعد عینی و ذهنی انزوای اجتماعی شهروندان نیز مشاهده می شود که چون سطح معناداری آزمون ۰/۱۹۵ از سطح آزمون $a=0/05$ بزرگ تر است پس با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت تفاوت معناداری بین بعد ذهنی انزوای اجتماعی شهروندان ساکن در مناطق توسعه یافته و کمتر توسعه یافته وجود ندارد و شهروندان در مناطق مختلف از شرایط مشابهی برخوردارند.

جدول ۶- آزمون ضریب همبستگی پیرسون در خصوص رابطه بین انزوای اجتماعی و پایگاه اجتماعی اقتصادی

میزان انزوای اجتماعی	بعد ذهنی انزوای اجتماعی	بعد عینی انزوای اجتماعی		
-۰/۱۸۲ **	-۰/۱۰۵ *	-۰/۲۵۸ **	ضریب همبستگی	پایگاه اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۰۳۶	۰/۰۰۰	سطح معناداری	اجتماعی
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد پاسخگویان	شهروندان

**Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

*Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed)

در راستای آزمون فرضیه اساسی دوم پژوهش مبنی بر این که «رابطه معناداری میان انزوای اجتماعی و پایگاه اقتصادی اجتماعی شهروندان وجود دارد.» از آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای فرض صفر و مقابل استفاده شد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۶ نشان می‌دهد که بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و بعد عینی، بعد ذهنی و میزان انزوای اجتماعی شهروندان رابطه معنادار منفی به ترتیب به میزان $0/258$ ، $0/105$ و $0/182$ وجود دارد. این امر بدین معناست که هرچه قدر پایگاه اجتماعی اقتصادی شهروندان بیشتر باشد انزوای اجتماعی، بعد ذهنی و بعد عینی انزوای اجتماعی آنان کمتر است. بر این اساس فرضیه اساسی دوم پژوهش تأیید می‌شود.

از آنجا که بر اساس شواهد و همچنین پژوهش‌های پیشین، تهران شهری طبقاتی و سلسله‌مراتبی است. به سختی می‌توان تمایز آشکاری بین متغیرهای توسعه‌یافتگی مناطق و پایگاه اقتصادی اجتماعی شهروندان ساکن یافت. به عبارت دیگر معمولاً مناطق توسعه‌یافته‌تر دارای شهروندانی با پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتر می‌باشند. اما برای تحلیل دقیق‌تر ارتباط متغیرهای یادشده با یکدیگر با کنترل رابطه پایگاه اقتصادی اجتماعی بین انزوا و توسعه‌یافتگی مناطق به‌طور دقیق‌تری مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۷- رابطه بین انزوا و توسعه یافتگی مناطق با کنترل پایگاه اقتصادی، اجتماعی

متغیر کنترل	انزوا	انزوای ذهنی	انزوای عینی
پایگاه اقتصادی، اجتماعی	مقدار ضریب همبستگی	$0/039$	$0/142$
	سطح معناداری آزمون (2-tailed)	$0/435$	$0/004$
	df	۳۹۷	۳۹۷

با کنترل پایگاه اقتصادی اجتماعی رابطه بین انزوای عینی و توسعه‌یافتگی معنادار است و سایر روابط همبستگی معنادار نیست.

جدول ۸- آزمون ضریب همبستگی پیرسون در خصوص رابطه بین انزوای اجتماعی و سن شهروندان

متغیر مستقل	بعد عینی انزوای اجتماعی	بعد ذهنی انزوای اجتماعی	میزان انزوای اجتماعی
سن شهروندان	ضریب همبستگی	$0/012$	$0/070$
	سطح معناداری	$0/810$	$0/162$
	تعداد پاسخگویان	۳۹۸	۳۹۸

به منظور آزمون فرضیه اساسی سوم پژوهش مبنی بر این که «رابطه معناداری میان انزوای اجتماعی و سن شهروندان وجود دارد.» از آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای فرض صفر و مقابل آماری مشابه با فرضیه پیشین استفاده شد و نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۸ نشان داد که چون سطح معناداری آزمون برای هر سه متغیر وابسته انزوای اجتماعی، بعد عینی و بعد ذهنی انزوای اجتماعی شهروندان از سطح آزمون $\alpha=0/05$ بزرگتر است، پس با ۹۵ درصد اطمینان فرض عدم همبستگی بین سن شهروندان و این متغیرها پذیرفته شده و بر این اساس فرضیه اساسی سوم پژوهش رد می‌شود.

جدول ۹- آزمون تی استیودنت دو نمونه‌ای برای میانگین انزوای اجتماعی و جنیست

متغیر وابسته	گروه	میانگین	انحراف معیار	آزمون برای واریانس‌ها		
				آماره F آزمون	سطح معناداری	آماره t آزمون
بعد عینی	زن	۲/۳۹۶	۰/۵۵۸۶	۲/۷۲۴	۰/۱۰۰	۰/۳۶۱
	مرد	۳/۳۷۷	۰/۴۸۰۰			
بعد ذهنی	زن	۲/۴۶۷	۰/۴۵۶۳	۱/۳۳۶	۰/۲۴۹	۱/۹۴۴
	مرد	۲/۳۸۲	۰/۴۱۶۲			
انزوای اجتماعی	زن	۲/۷۶۸	۰/۴۴۰۵	۲/۷۳۵	۰/۰۹۹	۱/۵۳۵
	مرد	۲/۷۰۴	۰/۳۸۰۰			

در راستای آزمون فرضیه اساسی چهارم پژوهش مبنی بر این که «بین میزان انزوای اجتماعی شهروندان زن و مرد اختلاف معناداری وجود دارد.» مشابه آزمون فرضیه نخست از آزمون تی استیودنت دو نمونه‌ای استفاده شد و یافته‌های پژوهش نشان داد که چون سطح معناداری آزمون تی استیودنت برای متغیر انزوای اجتماعی برابر ۰/۱۲۶ بوده و از سطح آزمون $\alpha=0/05$ بزرگتر است، پس با ۹۵ درصد اطمینان فرض برابری میانگین میزان انزوای اجتماعی شهروندان زن و مرد پذیرفته می‌شود. این امر بدین معناست که اختلاف

معناداری بین میزان انزوای اجتماعی شهروندان زن و مرد وجود ندارد و بنابراین فرضیه چهارم پژوهش رد می‌شود.

با تکرار آزمون برای دو بعد عینی و ذهنی انزوای اجتماعی شهروندان نیز مشاهده شد که چون سطح معناداری آزمون برای این دو متغیر از سطح آزمون $a=0/05$ بزرگ‌تر است، پس با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت تفاوت معناداری بین بعد عینی و بعد ذهنی انزوای اجتماعی شهروندان زن و مرد وجود ندارد و این دو گروه شهروندان تقریباً به یک‌میزان دچار انزوای اجتماعی هستند.

جدول ۱۰- آزمون ضریب همبستگی پیرسون در خصوص رابطه بین انزوای اجتماعی و اعتماد اجتماعی

میزان انزوای اجتماعی	بعد ذهنی انزوای اجتماعی	بعد عینی انزوای اجتماعی	متغیر مستقل	
-۰/۵۶۴**	-۰/۵۶۸**	-۰/۳۹۹**	ضریب همبستگی	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد پاسخگویان	

**Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

در راستای آزمون فرضیه اساسی پنجم پژوهش مبنی بر این که «رابطه معناداری میان انزوای اجتماعی شهروندان و میزان اعتماد اجتماعی وجود دارد.» از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و نتایج آزمون در جدول ۱۰ نشان داد که بین میزان اعتماد اجتماعی و بعد عینی، بعد ذهنی و میزان انزوای اجتماعی شهروندان رابطه معنادار منفی به ترتیب به میزان $-0/399$ ، $-0/568$ و $-0/564$ وجود دارد. این امر بدین معناست که هرچقدر اعتماد اجتماعی شهروندان بیشتر است انزوای اجتماعی، بعد ذهنی و بعد عینی انزوای اجتماعی آنان کمتر است و برعکس. بر این اساس فرضیه اساسی پنجم پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۱۱- آزمون ضریب همبستگی پیرسون در خصوص رابطه بین انزوای اجتماعی و استفاده از اینترنت

میزان انزوای اجتماعی	بعد ذهنی انزوای اجتماعی	بعد عینی انزوای اجتماعی	متغیر مستقل	
۰/۰۵۰	۰/۰۷۷	- ۰/۰۵۰	ضریب همبستگی	استفاده از اینترنت
۰/۳۸۲	۰/۱۷۶	۰/۳۸۰	سطح معناداری	
۳۱۰	۳۱۰	۳۱۰	تعداد پاسخگویان	

در راستای آزمون فرضیه اساسی ششم پژوهش مبنی بر این که «رابطه معناداری میان انزوای اجتماعی و میزان استفاده از اینترنت شهروندان وجود دارد.» از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و نتایج آزمون نشان داد که چون سطح معناداری آزمون برای هر سه متغیر وابسته انزوای اجتماعی، بعد عینی و بعد ذهنی انزوای اجتماعی شهروندان از سطح آزمون $\alpha=0/05$ بزرگتر است پس با ۹۵ درصد اطمینان فرض عدم همبستگی بین میزان استفاده از اینترنت و تلگرام شهروندان و میزان انزوای اجتماعی شهروندان پذیرفته می‌شود و بر این اساس فرضیه اساسی ششم پژوهش رد می‌شود.

جدول ۱۲- آزمون ضریب همبستگی پیرسون در خصوص رابطه بین انزوای اجتماعی و میزان دینداری

میزان انزوای اجتماعی	بعد ذهنی انزوای اجتماعی	بعد عینی انزوای اجتماعی	متغیر مستقل	
-۰/۱۲۲ *	- ۰/۲۱۳ **	۰/۰۵۵	ضریب همبستگی	میزان دینداری
۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۲۶۹	سطح معناداری	
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد پاسخگویان	

***Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

*Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed)

در راستای آزمون فرضیه اساسی هفتم پژوهش مبنی بر این که «رابطه معناداری میان انزوای اجتماعی و دینداری شهروندان وجود دارد.» از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج آزمون در جدول ۱۲ نشان می‌دهد که بین میزان دینداری و بعد عینی انزوای اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین بعد ذهنی و میزان انزوای اجتماعی

شهروندان رابطه معنادار منفی به ترتیب به میزان ۰/۲۱۳- و ۰/۱۲۲- وجود دارد. این امر بدین معناست که هرچقدر دینداری شهروندان بیشتر است انزوای اجتماعی و بعد ذهنی انزوای اجتماعی آنان کمتر است. بر این اساس فرضیه اساسی هفتم پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۱۳- آزمون ضریب همبستگی پیرسون در خصوص رابطه بین انزوای اجتماعی و تعلق به شهر و محله

میزان انزوای اجتماعی	بعد ذهنی انزوای اجتماعی	بعد عینی انزوای اجتماعی	متغیر مستقل	
- ۰/۱۵۱**	- ۰/۱۷۲**	- ۰/۸۲	ضریب همبستگی	احساس تعلق به شهر و محله
۰/۰۲	۰/۰۱	۲/۱	سطح معناداری	
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد پاسخگویان	

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

* Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed)

در راستای آزمون فرضیه اساسی هشتم پژوهش مبنی بر این که «رابطه معناداری میان انزوای اجتماعی و احساس تعلق شهروندان به شهر و محله وجود دارد.» از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و نتایج آزمون نشان داد که بین میزان احساس تعلق به شهر و محله و بعد ذهنی و میزان کل انزوای اجتماعی شهروندان رابطه معنادار منفی به ترتیب به میزان ۰/۱۷۲- و ۰/۱۵۱- وجود دارد. این امر بدین معناست که هرچقدر احساس تعلق شهروندان بیشتر است انزوای اجتماعی و بعد ذهنی انزوای اجتماعی آنان کمتر است. بر این اساس فرضیه اساسی هشتم پژوهش تأیید می‌شود. بر اساس نتایج جدول ۱۳ رابطه معناداری بین احساس تعلق و بعد عینی انزوای اجتماعی شهروندان وجود ندارد.

تحلیل رگرسیون

در این بخش با استفاده از تکنیک مدل سازی رگرسیونی گام به گام، بر اساس مدل ارائه شده در پایان چارچوب نظری، میزان تأثیر متغیرها و مؤلفه‌های مختلف بر انزوای اجتماعی شهروندان سنجیده می‌شود.

جدول ۱۴- ضرایب رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل

سطح معناداری	آماره آزمون t	مقدار ضریب استاندارد شده Beta	متغیرها و مؤلفه‌ها
۰/۰۸۰	۱/۷۵۹	۰/۱۱۸	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۱۱۷	۰/۱۷۸	احساس تعلق به شهر و محله
۰/۰۰۰	۹/۲۲۹	۰/۵۱۰	پایگاه اجتماعی و اقتصادی
۰/۰۰۰	۸/۷۴۹	۰/۱۷۳	سطح توسعه یافتگی منطقه محل سکونت
۰/۰۱۰	۲/۵۹۳	۰/۹۰	سن

با توجه به آنکه تأثیرات مربوط به هر متغیر را به دودسته اثرات مستقیم و غیرمستقیم می‌توان تقسیم‌بندی نمود در جدول ۱۵، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر میزان انزوای اجتماعی شهروندان سنجیده شده است.

جدول ۱۵- اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر انزوای اجتماعی

مجموع اثرات	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	متغیرها و مؤلفه‌ها
۰/۷۱۹	۰/۲۰۹	۰/۵۱	پایگاه اجتماعی و اقتصادی
۰/۱۱۸	۰	۰/۱۱۸	اعتماد اجتماعی
۰/۱۷۸	۰	۰/۱۷۸	احساس تعلق به شهر و محله
۰/۲۴۳	۰/۰۷	۰/۱۷۳	سطح توسعه یافتگی منطقه محل سکونت
۰/۱۳	۰/۰۴	۰/۰۹	سن

همان‌گونه که مشاهده می‌شود پایگاه اقتصادی اجتماعی، سطح توسعه‌یافتگی منطقه محل سکونت، احساس تعلق به شهر و محله، اعتماد و سن به ترتیب به میزان ۰/۷۱۹، ۰/۲۴۳، ۰/۱۷۸ و ۰/۱۳ بیشترین تأثیر را بر میزان انزوای اجتماعی شهروندان دارند.

نتیجه‌گیری

در باب ضرورت مسأله انزوای اجتماعی، می‌توان گفت باید به انزوای اجتماعی به‌عنوان شکل جدیدی از نابرابری اجتماعی نگاه کرد. به همین سبب انزوای اجتماعی نه صرفاً یک موضوع شخصی بلکه موضوعی اجتماعی است. نگاه گسترده نشان می‌دهد این مسأله نه فقط در بین افراد خاصی مثل سالمندان یا مجردان بلکه در بین گروه‌های متعددی قابل‌رؤیت است. انزوای اجتماعی موضوعی اجتماعی است که نیازمند توجه و درگیری عمومی در بخش سیاست‌گذاری است. هدف این پژوهش توصیف میزان انزوای اجتماعی و تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین مناطق توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته شهر تهران بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان انزوای اجتماعی در بین جمعیت نمونه، در حد متوسط می‌باشد. این در حالی است که بعد عینی انزوای اجتماعی بیشتر از متوسط می‌باشد. این پژوهش با توجه به ادبیات نظری- مفهومی موجود درباره انزوای اجتماعی این متغیر را با دو بعد عینی و ذهنی مطالعه کرده است. برخی از پژوهش‌های داخلی در مطالعه انزوای اجتماعی تنها بعد عینی آن (میزان روابط اجتماعی) را در نظر گرفته‌اند. در صورتی که همان‌طور که پدرسون اشاره می‌کند، رابطه بین مفهوم روابط اجتماعی و انزوای اجتماعی کاملاً شفاف و منفک نیست. افراد با روابط اجتماعی کم لزوماً خود را منزوی و تنها احساس نمی‌کنند. و لزوماً افرادی که خود را تنها و منزوی احساس می‌کنند، تعلقات شبکه‌ای کمی ندارند (Pederson, 2012). پس در این پژوهش هر دو بعد عینی و ذهنی در سنجش متغیر انزوای اجتماعی در نظر گرفته شده است.

از طرف دیگر شبکه‌های اجتماعی افراد بخشی از سرمایه اجتماعی آنان هستند که ممکن است در احساس منزوی بودن آنها مثلاً در احساس عدم‌حمایت یا تنهایی نقش نداشته باشند، ولی در بهزیستی و کیفیت زندگی اجتماعی آنان نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

به‌عنوان مثال سرمایه اجتماعی پل زنده مربوط به آشنایانی می‌شود که درون شبکه اجتماعی افراد قرار دارند، اگرچه روابط نزدیک و صمیمی بین آن‌ها وجود نداشته باشد. منبع این روابط دور در شرایطی مثل پیدا کردن شغل بسیار مؤثر هستند. پس در مقایسه مناطق توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته، پایین بودن روابط اجتماعی و عضویت‌های گروهی در مناطق کمتر توسعه‌یافته می‌تواند محرومیت آنان را حفظ کرده و یا تشدید نماید.

با توجه به تأیید فرضیه وجود رابطه بین سطح توسعه‌یافتگی منطقه زندگی و انزوای اجتماعی و همچنین تأیید وجود رابطه بین پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد با انزوای اجتماعی در این پژوهش لازم است، توجه ویژه‌ای به این امر گردد. تجربه شهرنشینی به‌خصوص در قرن بیستم نشان داده است که فقر و انزوا در محلات شهری ارتباط پیوسته‌ای با یکدیگر دارند. افزایش انزوای اجتماعی فقر را افزایش می‌دهد. روزن باثوم در این باره از مفهوم "جغرافیای فرصت‌ها" صحبت می‌کند، بدین معنا که محل زندگی افراد بر فرصت‌ها و بروندهای زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (جارگووسکی، ۱۳۹۴: ۵۰۱-۵۰۳). آمارتیا سن استدلال می‌کند توانایی افراد برای استفاده از درآمد و ثروت برای گسترش دامنه انتخاب خود در زندگی بسته به سن، نژاد، جنسیت و وضعیت سلامتی آنان متفاوت است. اعتقاد برخی بر این است که محل سکونت را باید به فهرست عوامل پس‌زمینه‌ای آمارتیا سن افزود. معمولاً افزایش نابرابری درآمدی با افزایش نابرابری مکانی همسو است. زندگی در مناطق دارای فقر متمرکز، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی که افراد را به فرصت‌های شغلی پیوند می‌دهد، نیز محدود می‌کند. در هنگام جست‌وجوی شغل، پیوندهای ضعیف باکسانی که در مناطق دوردست زندگی می‌کنند، مؤثرتر از پیوندهای مستحکمی عمل می‌کند که میان افراد ساکن در مناطق نزدیک به هم ایجاد شده است. به‌عبارت‌دیگر جداسازی مکانی جداسازی اقتصادی را افزایش می‌دهد و در مقابل نرخ‌هایی از فقر کاهش می‌یابد (اسوانستروم، ۱۳۹۴: ۶۱۸-۶۲۴).

در مقایسه بیشتر با دو پژوهش مشابه دیگر یعنی چلبی، کافی (۱۳۸۱) و کلانتری، آزاده (۱۳۹۴) که انزوای اجتماعی را در بین شهروندان تهرانی مطالعه کرده‌اند، یافته‌های پژوهش شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. در مورد روابط خانوادگی باید گفت هنوز روابط خانوادگی از استحکام برخوردار بوده و همانند دو تحقیق پیشین حتی در سال ۱۳۸۱ افراد

بیشترین و بهترین روابط را با خانواده خود دارند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نگرانی برخی از محققین که تغییرات و تحولات خانواده ایرانی را با تعبیر افول خانواده یاد می‌کنند، چندان مطابق واقع نیست و خانواده هنوز نهادی مستحکم در جامعه ایرانی است. شباهت دیگر یافته‌ها مربوط به پیوندهای انجمنی محدود پاسخگویان می‌شود که این پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند. تفاوت یافته‌های پژوهش به میزان ارتباطات محلی و همسایگی محلات کمتر توسعه‌یافته در پژوهش چلبی مربوط می‌شود. در این پژوهش در سال ۱۳۸۱ انزوای اجتماعی در سطح همسایگی در حد متوسط قرار داشته است. در صورتی که در پژوهش حاضر بیش از حد متوسط می‌باشد. همچنین در تحقیق چلبی وضعیت روابط محلی مناطق کمتر توسعه‌یافته مطلوب‌تر از مناطق توسعه‌یافته بود. طبق یافته‌های پژوهش حاضر تفاوت چندان بین این مناطق در روابط محلی و همسایگی وجود ندارد.

پژوهش حاضر به جهت تبیین بیشتر انزوای اجتماعی برحسب مبانی نظری فرضیه‌های بیشتری را مبنی بر رابطه بین اعتماد اجتماعی، میزان دینداری، روابط مجازی و میزان حس تعلق مطرح کرده است، که در ادامه به نتایج به‌دست‌آمده خواهیم پرداخت. رابطه بین انزوای اجتماعی و میزان روابط مجازی در پژوهش حاضر تأیید نشد. شاید به این دلیل که افرادی مثل باومن روابط سیال را در جوامع پسامدرن غربی مطرح می‌کنند که الگوی روابط بیشتر مدرن است و احتمال تنهایی و انزوا بیشتر است. طبق نتایج توصیفی پژوهش حاضر پاسخگویان هنوز در بسیاری وجوه نظیر روابط خانوادگی از الگوهای سنتی تبعیت می‌کنند. پس با وجود این روابط مستحکم، روابط مجازی تنها الگوهای موجود نبوده و به انزوای اجتماعی نمی‌انجامد. حتی همان‌طور که مشاهدات نشان می‌دهد امروزه در ایران خانواده‌ها برای روابط بیشتر خود، گروه‌های مجازی خانوادگی هم ایجاد می‌کنند.

رابطه بین دینداری و انزوای اجتماعی فقط در سطح انزوای ذهنی تأیید شد. به این معنی که هر چه افراد دیندارتر بوده‌اند، میزان انزوای ذهنی آنان کمتر بوده است. این نتیجه می‌تواند کارکرد دین در بهزیستی افراد نظیر کاهش احساس تنهایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های انزوای ذهنی را تأیید کند. در رابطه با اعتماد اجتماعی به‌عنوان پیش‌شرط لازم برای ایجاد ارتباط، نتایج آزمون فرضیه مرتبط نشان می‌دهد که رابطه معکوس بین این دو

متغیر وجود دارد. به این معنی که هر چه افراد از اعتماد بیشتری برخوردار بودند میزان انزوای اجتماعی کمتری را تجربه کرده‌اند. همچنین متغیر مهاجرت و انزوای اجتماعی در پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و ارتباط بین آن دو معنادار نبود و فرضیه آخر مبنی بر وجود رابطه بین حس تعلق به محیط و میزان انزوای اجتماعی نیز نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر وجود دارد. هر چه افراد حس تعلق بیشتری نسبت به محیط داشته‌اند، میزان انزوای اجتماعی کمتری داشته‌اند. در نهایت طبق تحلیل رگرسیون، پایگاه اقتصادی اجتماعی، سطح توسعه‌یافتگی منطقه محل سکونت، احساس تعلق به شهر و محله و سن به ترتیب به میزان ۰/۷۱۹، ۰/۲۴۳، ۰/۱۷۸ و ۰/۱۳ بیشترین تأثیر را بر میزان انزوای اجتماعی شهروندان دارند.

دیدگاه‌های سیاست‌گذاری جدید در خصوص انزوای اجتماعی در جامعه ایرانی به‌خصوص با توجه به افزایش سن مجرد قطعی، افزایش طلاق و همچنین سالمند شدن جمعیت الزامی است. به نظر می‌رسد این سیاست‌ها می‌بایست در سه حوزه پیشگیری، هشدار خطر و راهکارهای مداخله‌ای جدید متمرکز گردند. در حوزه پیشگیری تأکید فوق‌العاده بر ارتباطات اجتماعی، اهمیت حمایت غیررسمی به عنوان پیش‌شرط بهزیستی اجتماعی و کیفیت زندگی می‌بایست در سیاست‌های پیشگیری دولت قرار گیرد. سیاست‌های هشدار خطر به حساس بودن خطرات انزوای اجتماعی برای گروه‌های آسیب‌پذیر مثل زنان مطلقه، زنان مجرد، اقشار محروم و سالمندان و سیاست‌های خاص برای آنان معطوف است و در نهایت با توجه به تغییرات اجتماعی و سبک‌های زندگی جدید، می‌بایست سیاست‌ها متوجه راهکارهای مداخله‌ای جدید و متفاوت از پیش در خصوص انزوای اجتماعی و ارتباطات اجتماعی گردد.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۷۸). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی، فرهنگی.
- اسوانستروم، تاد و همکاران. (۱۳۹۴). *نابرابری اقتصادی و سیاست عمومی: قدرت مکان، در شهرها و جامعه نانسی کلنیوسکی*، تهران: انتشارات تپسا.

۳۴ فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۷، شماره ۸۱، تابستان ۱۳۹۷

- تانکیس، فرن. (۱۳۹۰). *فضا، شهر و نظریه اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری*. ترجمه: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جارگوسکی، پاول. (۱۳۹۴). *آشوب یا اجتماع: مسیرهایی برای سیاست عمومی، در شهرها و جامعه ناسی کلنیوسکی*، تهران: انتشارات تیسرا.
- چلبی، مسعود؛ امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۱). «تحلیل سطحی انزوای اجتماعی». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲.
- ربیعی، علی؛ فرشته محمدزاده یزد. (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی فضای مجازی؛ بررسی تأثیر استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی دانشجویان». *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال دوم، شماره ششم.
- رسول‌زاده اقدم، صمد؛ پویان احیایی؛ صمد عدلی پور؛ مریم سهرابی. (۱۳۹۳). «تحلیل رابطه حضور در شبکه اجتماعی فیس بوک و انزوای اجتماعی در بین جوانان شهر تبریز». *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره ۸، شماره ۳.
- سجادیان، ایلناز؛ محمدعلی نادری. (۱۳۸۵). «ارتباط بین افسردگی و انزوای اجتماعی کاربران اینترنت نوجوان و جوان با مدت‌زمان روزانه معمول کاربری اینترنت». *دو فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری*، دوره ۴، شماره ۱ و ۲.
- شهریاری، مه‌سیما. (۱۳۸۶). «مقایسه افسردگی، انزوای اجتماعی و ارتباطات خانوادگی دانش‌آموزان دختر کاربر و غیر کاربر اینترنتی دبیرستان‌های تهران». *مطالعات روانشناختی*، دوره ۳، شماره ۲، تابستان - زمین، جورج (۱۳۷۲)، کلانشهر و حیات ذهنی، ترجمه یوسف ابادری، *فصلنامه نامه علوم اجتماعی*، دوره ۳ شماره ۱.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی.
- فیروزآبادی، احمد؛ صادقی، علیرضا. (۱۳۹۲). *طرد اجتماعی، رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۴). *عادت به مطالعه در شهر تهران*، تهران: نشر شهر.
- ساندرز، پیتر. (۱۳۹۲). *نظریه اجتماعی و مسأله شهری*، ترجمه: محمود شارع پور، تهران: تیسرا.
- کیویستو، پیتر. (۱۳۸۶). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- کلانتری، عبدالحسین؛ سیدسعید حسینی‌زاده آرانی. (۱۳۹۴). «شهر و روابط اجتماعی: بررسی ارتباط میان انزوای اجتماعی و سطح حمایتی اجتماعی دریافتی با میزان تجربه احساس تنهایی». *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال پنجم، شماره ۱۶.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- هورتولانوس، رلوف؛ انجا مشیلز؛ لودوین میوسن. (۱۳۹۴). *انزوای اجتماعی در جامعه مدرن*، ترجمه: لیلا فلاحی سرابی و صادق پیوسته. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدزاده اصل، نازی و دیگران. (۱۳۸۹). رتبه‌بندی شاخص‌های رفاه شهری مناطق مختلف شهر تهران، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی*، شماره ۱.

- Chile, Xavier and others. (2014). *Experience and expression of social isolation by inner-city high* – rise residents Housing Care and support,
- Delisle, Marc. (1988). *what does solitude mean to the aged?*, vol 1. Issue 4, francopho Reasearch in Geron tology in Canada.
- Franklin, Adrian. (2012). a lonely society? Loneliness and liquid modernity in Australia, *Australian journal of society Issues*, Vol. 41.NO.1
- Graif, corina. (2011). *mobility in isolation: neighborhood Effects*, spatial Embeddness, and Inequality, Harvard university.
- Lanier, Christian. (2009). ”*Intimate partner violence and social isolation across the Rural/urban Divide*”, sage.
- Pederson, Vivan, pia,. (2012). *social relations and experiences of social isolation among socially marginalized people*, Sage.
- Samuel, Kim, Mills china. (2013). *social isolation: A conceptual and measurement proposal*, oxford poverty&human Development Initiative.
- Scannell, L, Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of environmental psychology*, 30 (1).
- Shihade, Edward and others Massy, Denton. (2009). “*race, class and crime: reconsidering the spatial effects of social isolation on rates of urban offending*”, Rout ledge.
- Krivo, Lauren J, Peterson, Heather M. (2013). *Social Isolation of Disadvantage and Advantage: The Reproduction of Inequality in Urban Space*, Rutgers University, Washington, University at Albany.
- Wilson, William. (1987). *studying Inner-city social dislocations*: The challenge of public agenda American sociological review, vol 5, No1.